بخشی را درست گفتی و بخشی را اشتباه.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می گوید: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: دیشب سایبانی را در خواب دیدم که از آن روغن و عسل می چکید و مردم از آنها ،بعضی بیشتر و بعضی کمتر برمی داشتند. همچنین ریسمانی را دیدم که از زمین به آسمان وصل شده است. و تو را دیدم که آن را گرفته و بالا رفتی. سپس فرد دیگری آن را گرفت و بالا رفت. آنگاه شخص دیگری آن را گرفت و بالا رفت. سرانجام فردی دیگر آن را گرفت و ریسمان قطع شد. اما دوباره وصل گردید. ابو بکر گفت: یا رسول الله! پدرم فدایت باد، به من اجازه دهید تا آن را تعبیر کنم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اعْبُرْها»: «تعبیر کن». ابو بکر گفت: سایبان، همان اسلام است و عسل و روغنی که از آن می چکد به معنی قرآن است که حلاوتش می چکد. بعضی قرآن بیشتری و برخی قرآن کمتری یاد می گیرند. و ریسمانی که از آسمان به زمین متصل است، حقی است که تو به آن چنگ می زنی و الله تو را بالا می برد. سپس بعد از تو، مردی دیگر آن را می گیرد و با آن صعود می کند. و پس از آن، مردی دیگر آن را می گیرد و بوسیله آن صعود می نماید. سرانجام مردی دیگر آن را می گیرد، اما ریسمان قطع می شود و دوباره وصل می گردد و او هم به وسیله آن صعود می کند. یا رسول الله، پدرم فدایت باد، به من بگو درست گفتم و یا اشتباه کردم؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «أصبتَ بعضًا وأخطأتَ بعضًا»: «بخشی را درست گفتی و بخشی را اشتباه». ابوبکر گفت: به الله سوگند که اشتباهاتم را به من می گویی. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا تُقْسِم»: «سوگند نخور».

[صحیح است] [متفق علیه]

مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و می گوید: دیشب ابری در خواب دیدم که از آن روغن و عسل می چکید و مردم با دست های خود از آن بر می داشتند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر؛ همچنین ریسمانی را دیدم که از زمین به آسمان وصل شده بود. و رسول الله صلی الله علیه وسلم وسلم را دیده که آن را گرفته و بالا رفته است. سپس فرد دیگری آن را گرفته و بالا رفته و آنگاه شخص دیگری آن را گرفته و بالا رفته و سرانجام فردی دیگر آن را گرفته و ریسمان قطع شده، اما دوباره وصل گردیده است. یعنی: دوباره از آن بالا رفت. در ادامه ابوبکر می گوید: یا رسول الله، پدرم فدایت باد، تو را سوگند می دهم که به من اجازه دهی تا خوابش را تعبیر نمایم. و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «تعبیر کن». و ابو بکر می گوید: ابر، همان اسلام است، زیرا انسان را در سایه گرفته و او را از آزار و اذیت حمایت می نماید و به اذن و فرمان الله او را از نعمت باران بهره مند می گرداند. اسلام نیز چنین است که مؤمن را در برابر آزار و اذیت و هلاکت حمایت نموده و حفظ می کند و او را مشمول نعمت های دنیا و آخرت می گرداند. سپس می گوید: و عسل و روغنی که از آن می چکد به معنی قرآن است که حلاوتش می چکد؛ و بعضی قرآن بیشتری و برخی قرآن کمتری یاد می گیرند. و ریسمانی که از آسمان به زمین متصل است، حقی است که تو ای رسول خدا با خود داری و به آن تمسک می جویی و درنتیجه الله متعال تو را بالا می برد؛ و پس از تو، مرد دیگری آن را می گیرد و با آن صعود می کند. و این مرد ابوبکر صدیق است؛ زیرا وی بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم به اقامه ی حق در میان امتش برخاست؛ و پس از آن، مرد دیگری آن را می گیرد و بوسیله آن صعود می نماید. و این مرد عمر بن خطاب رضی الله عنه است. و سرانجام مرد دیگری آن را می گیرد که عثمان بن عفان رضی الله عنه می باشد، اما ریسمان قطع می شود و دوباره برایش وصل می گردد و او هم از آن بالا می رود. و این اشاره به قتل عثمان رضی الله عنه و رسیدن خلافت به علی رضی الله عنه دارد، یا اشاره به فتنه هایی دارد که عثمان دچار آنها می شود. سپس این ریسمان وصل شده و بالا می رود. آنگاه ابوبکر رضی الله عنه می گوید: یا رسول الله! پدرم فدایت باد، به من بگو درست تعبیر نمودم و یا اشتباه کردم؟ و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «بخشی را درست گفتی و بخشی را اشتباه». گفته شده: اینکه ایشان روغن و عسل را تنها به قرآن تعبیر نمود، اشتباه کرد؛ بلکه حق این بود که آن دو را به قرآن و سنت تعبیر می کرد، زیرا سنت مبین قرآن است و همان طور که با روغن و عسل لذت کامل می شود، با قرآن و سنت احکام کامل می شود. و گفته شده:

درست این بود که ابر را به رسول الله صلی الله علیه وسلم تعبیر نماید و روغن و عسل را به قرآن و سنت. و گفته شده: ممکن است منظور از روغن و عسل، علم و عمل، یا فهم و حفظ باشد. و گفته شده: بهتر آن است که از بیان اشتباه ابوبکر صدیق رضی الله عنه سکوت نماییم، زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم از بیان آن سکوت کرد. سپس ابوبکر رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه وسلم را سوگند می دهد که اشتباهش را بگوید. و رسول الله صلی الله علیه وسلم به او می گوید: «سوگند نخور»؛ یعنی دوباره سوگندت را تکرار نکن، زیرا ابوبکر سوگند می خورد. گفته شده: رسول الله صلی الله علیه وسلم سوگند ابوبکر رضی الله عنه را برآورده ننمود، زیرا برآوردن سوگند مخصوص زمانی است که فساد و یا مشقت ظاهری در میان نباشد؛ و شاید فساد موجود در این مورد، علم و اطلاع ایشان به این مطلب بود که آنکه ریسمانش قطع می شود، عثمان است و به معنی قتل ایشان است و آن جنگ ها و فتنه هایی که از ترس انتشار آن ذکر ننمود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/10848